

مساله فقدان الگو برای تغییر نگرش



سید یحیی یثربی
استاد فلسفه اسلامی

تغییر نگرش مردم به نفع اخلاقی شدن جامعه، آرزوی همه ما است. اما در جامعه‌ای که مصداق‌های خلاف اخلاق، اغلب، جای هر ارزشی را گرفته‌اند نمی‌توان انتظار داشت زندگی اخلاقی چندان رواجی داشته باشد. مردم می‌بینند که خیلی از گروه‌های جامعه با کلاه‌بری، رشوه و رانت‌خواری به هر چه می‌خواستند رسیدند، پس می‌گویند من هم رشوه می‌گیرم چون همه این‌کار را انجام می‌دهند! یعنی دیگر آن عمل خلاف اخلاق قبح ندارد. رسیدن به هر آرزویی اعم از اخلاقی شدن و قانونی شدن جامعه شرایط و زمینه‌هایی لازم را دارد که البته تغییر نگرش مردم آن جامعه ضروری‌ترین آنهاست. شاید بتوان گفت الزامات رسیدن به یک جامعه اخلاقی، در گذشته موعظه و بیان اخلاقیات براساس آموزه‌های دینی و احادیث، نشان دادن زندگی اخلاقی برای مردم بود. در نظام بسنتی گذشته تازه راه رسیدن به اخلاقی بودن جامعه نصیحت بود که مثلا واعظی آیه و حدیثی می‌خواند و می‌گفت این آیه برای احسان به پدر و مادر است یا این حدیثی برای راستگویی و درستکاری است و ... در واقع کار در دست واعظان، شاعران و نصیحتگران جامعه بود. این که چقدر جواب می‌داد؛ برای مردم همین قدر کافی بود و به بیش از آن موعظه‌ها احتیاج نداشتند و اساسا اکثریت مردم در کم نمی‌کردند که بیش از آن هم لازم است. همین آیه و حدیث‌ها آنها را ارضای می‌کرد. اکنون ما یک قسم دیگر باید باشد. در دنیای مدرن بشر به این نتیجه رسیده است که موعظه تنها کافی نیست. ما در رهنمودها و آموزه‌های اسلام و معصومان این را داریم که شرایط مؤثر است و باید به شرایط هم فکر کرد. در جهان امروز آرزوی اخلاقی بودن جامعه نیازمند خیلی چیزهاست به غیر از موعظه. در کشور ما این حال امروز از نظر ارزش اخلاقی وضع فعلی جامعه مورد رضایت هیچ کس نیست. انقلاب اسلامی آرمانی داشت که ما بتوانیم با زندگی اخلاقی میان کشورهای منطقه الگو شویم. و به جامعه‌ای برسیم که در آن ربا نیست، زردی نیست، رشوه نیست و به جای اینها برابری و برادری هست، اگر کسی گرسنه باشد همسایه‌اش نمی‌تواند سرسیر به‌بالین بگذارد و ... اینها همه آرزو و چشم‌اندازی است که کشور ما باید به آن می‌رسد. اما چطور می‌توان به

آن رسید؟ موعظه رایج‌ترین و آشنا‌ترین وسیله ما است اما عملا می‌بینیم که جواب نمی‌دهد یا به قدر کافی جواب نمی‌دهد. مسأله دوم تنبیه است. کسانی را که رفتار غیر اخلاقی می‌کنند را تنبیه کنیم. این روش هم زیاد پاسخ نمی‌دهد یا به قدر لازم جوابگو نیست. مسئولان کشور خودمان و نه رسانه‌های بیگانه تاکنون دربار فساد، کیم‌فروشی و اختلاس گزارش‌های زیادی داده و می‌دهند. پس تنبیه و زندانی کردن هم برای تغییر نگرش جواب نمی‌دهد.

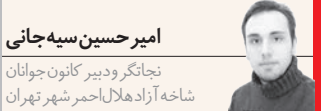
پس چه باید کرد؟ به عقیده من، نخست ضرورت دارد برای مردم رفاه و شخصیت ایجاد کنیم. بعد از انقلاب اسلامی، از نظر ایجاد رفاه اجتماعی برای مردم مشکل داشته‌ایم. آن هم به دلیل این است که دشمنان حساب شده نشانه‌گیری و هدف‌گیری کرده و کاری کردند که ما دچار رکود اقتصادی شویم. اینها را باید در اولین فرصت جبران کنیم؛ به عبارت دیگر باید علاوه بر موعظه و تنبیه، زندگی سالم برای مردم ایجاد کنیم. دوم این که ضروری است عدالت اجتماعی را در جامعه برقرار کنیم. در صداوسیما و رسانه‌ها خیلی راحت اعلام می‌شود فلان شخص ۳هزار میلیارد تومان و فلان شخص ۱۰ هزار میلیارد تومان داشته است. همه این افراد از مسئولان هستند نه افراد عادی جامعه؛ همین خبرها اخلاق مردم را به زلزله درمی‌آورد و آسیب شدیدی به جامعه می‌زند. ما باید تبعیض موجود در جامعه را چاره کنیم. حداقل مسئولان دلسوز شرایط زندگی خود را با طبقه متوسط و پایین جامعه هماهنگ کنند. همه می‌بینند مسئولان چگونه زندگی می‌کنند

و مردم عادی چگونه زندگی می‌کنند. در اطراف ما هم خیلی از این تناقض‌ها و تبعیض‌ها وجود دارد؛ هستند خانواده‌هایی که در آنها یک نفر کار می‌کند و ماهی ۵۰۰ هزار تومان درآمد دارد، خانه هم ندارد و در مقابل هستند خانواده‌هایی که فقط قیمت خانه‌شان ۱۰۰ میلیارد تومان است؛ از دیگر چیزهایشان بگذرد. باید بدانند، موعظه و تنبیه موضوع الزام تغییر نگرش مردم به نفع زندگی اخلاقی مسأله‌ای بسیار حساس و مهم است. مسئولان مملکت باید بدانند، موعظه و تنبیه وجود ندارد، کافی نیست. اما باید به ۴ چیز بیشتر از موارد دیگر فکر کنیم. اول رفاه اجتماعی، دوم عدالت اجتماعی و پس از گذر از این مراحل و برقرار کردن آن تأکید دارند، باید دور می‌گردیم. در جامعه آرایه داریم. باید بتوانیم در جامعه یک ایثار به عنوان یک نشان مهم، من این مسائل را به دلیل همین موضوع اقتصاد مقاومتی که رهبری روی آن تأکید دارند، یادآور می‌شوم؛ در اقتصاد مقاومتی ابتدایی‌ترین اصل این است، کسی که ۱۰ میلیون درآمد ثابت بدون قطعی دارد دیگر در پست دولتی‌اش حقوق بگیرد. بسیاری از مسئولان ما شاید بتوانند بخش یا کل حقوق دریافتی‌شان را حذف کنند تا مردم ببینند مملکت ما هم مسئولی دارد که بگوید من نیازی به این پول ندارم. این را باید به ذهنش به کار گری که پول نانش را هم به زحمت می‌زند. ما امروز الگوهای شخصیتی که مردم بتوانند زندگی اخلاقی را از یاد بگیرند کم داریم یا اصلا نداریم. زندگی اخلاقی را مردم از چه کسی باید یاد بگیرند!

• ما باید تبعیض موجود در جامعه را چاره کنیم. حداقل مسئولان دلسوز شرایط زندگی خود را با طبقه متوسط و پایین جامعه هماهنگ کنند. همه می‌بینند مسئولان چگونه زندگی می‌کنند و مردم عادی چگونه زندگی می‌کنند. در اطراف ما هم خیلی از این تناقض‌ها و تبعیض‌ها وجود دارد؛ هستند خانواده‌هایی که فقط قیمت خانه‌شان ۱۰۰ میلیارد تومان است؛ از دیگر چیزهایشان بگذرد.

• در اقتصاد مقاومتی ابتدایی‌ترین اصل این است، کسی که ۱۰ میلیون درآمد ثابت بدون قطعی دارد دیگر در پست دولتی‌اش حقوق بگیرد. بسیاری از مسئولان ما شاید بتوانند بخش یا کل حقوق دریافتی‌شان را حذف کنند تا مردم ببینند مملکت ما هم مسئولی دارد که بگوید من نیازی به این پول ندارم. این را باید به ذهنش به کار گری که پول نانش را هم به زحمت درمی‌آورد. ما امروز الگوهای شخصیتی که مردم بتوانند زندگی اخلاقی را از یاد بگیرند کم داریم یا اصلا نداریم. زندگی اخلاقی را مردم از چه کسی باید یاد بگیرند!

۱۰ کلید برای زندگی بهتر و اخلاقی‌تر



امیر حسین سیه‌جانی
نجاتگر و دبیر کانون جوانان
شاخه آزاد هلال‌احمر شهر تهران

دهید. دانستن اولویت‌های زندگی‌تان به شما کمک می‌کند طرز تفکر‌تان نسبت به استفاده از منابع‌تان، مثل زمان تغییر کند.
۶- به زیانتان دقت کنید. کلماتی که استفاده می‌کنید، نحوه بیان افکار و احساسات‌تان را تغییر دهید و آن وقت خواهید دید که انرژی بیرونتان تغییر می‌کند. اگر من از یک جمله منفی مثل «تو نمی‌تونی این کار را انجام بدی چون خطر داره» استفاده کنم، این احتمال وجود دارد که فرد با من لج کرده و برای ثابت کردن بی‌خطر بودن آن کار به من، به انجام آن مبادرت ورزد. اما اگر به جایی آن جمله از جمله «چطوری می‌خواهی خطر این کار را از بین ببری چون یک کم خطرناک به نظر میاد» استفاده کنم، فرد خیلی بیشتر در مورد آن فکر خواهد کرد و بی‌فکرانه آن را انجام نمی‌دهد. زبان ابزار بسیار نبرمندی در تغییر نحوه فکر کردن ما و همچنین واکنش دیگران به ما است.

۷- انتخاب کنید که شاد باشید. خودتان منبع شادی خودتان باشید و از دیگران انتظار نداشته باشید که خوشحالتان کنند. افراد شاد و خوشبخت افراد شاد و موفقیت‌های شاد بیشتری را به سمت خود جذب می‌کنند. برای این که هر لحظه در زندگی شاد باشید باید به چیزهای مثبت و خوب زندگی و کار‌تان تمرکز کنید و منفی‌های آن را کنار بگذارید. برای بو کردن گل‌ها و قشنگ‌ها و یاد اجاره ندهید که ناامیدی‌ها در شما رخنه کند و انرژی شما را از بین ببرد.

۸- مرتب دعا و مناجات کنید. با عبادت و مناجات از خدای خود تشکر و قدر دانی کنید و خواسته‌های خود را از او طلب کنید. با تعقیب به افکار و ایده‌های جدید دست پیدا کنید. عبادت و آیدیشه کردن از مهم‌ترین مسائل زندگی هستند چون ما را به خدا و به روحمان پیوند می‌دهند و از طریق این ارتباطات می‌توانید به افکار باارز و تازه‌تر دست پیدا کنیم.

۹- به دنبال واضح ساده کردن همه چیز باشید. یکی از مراجعان خیلی باهوش من مرتب در حالت آشفتگی به من زنگ می‌زند و می‌گوید که نمی‌داند برای فلان مسأله سخت و پیچیده‌ای که در زندگی‌اش افتاده چطور تصمیم بگیرد چه کند. اولین کاری که از او می‌خواهم بکنند این است که اول ببینند کدامیک از مسائلی واقعا به این قضیه مربوط است. بعد همه چیز را خیلی «ساده» برای من توضیح دهد. طی چند دقیقه چطور تصمیم بگیرد که چگونه باید به این قضیه مربوط بود. اصلا هیچ ارتباطی ندارد و کاملا بی‌ربط است و می‌تواند راحت آنها را حذف کند. آن وقت است که می‌تواند خیلی راحت‌تر تصمیم بگیرد. ساده کردن، چه در طریقه زندگی کردنمان باشد چه در نحوه آنالیز کردن یک مشکل، دیدگاه ما را تغییر می‌دهد و همه چیز روشن‌تر می‌کند.

۱۰- لیخند بزنید. لیخند زدن تأثیر فیزیکی بر مغز دارد و البته بر نحوه تفکر کردنمان لیخند زدن هنگام کار باعث می‌شود لذت بیشتری از انجام آن کار ببرید و همه اینها در دیدگاه‌مان نسبت به خودتان و دنیای اطراف‌تان تغییر ایجاد می‌کند.
برای اینکه تغییر در نحوه فکر کردنمان، باید به خودمان و دنیای اطراف‌مان از یک زاویه دیگر نگاه کنیم و دیدگاه‌مان را تغییر دهیم. به جای اینکه در پاسخ به یک سوال همان مسیر قدیمی را برای رسیدن به نتیجه انتخاب کنیم، یک زاویه جدید برای آن سوال نگاه کنیم و از یک راه دیگر به نتیجه برسیم. اینها راه‌های خوبی برای کمک به تغییر دیدگاه‌تان در زندگی بود. هر بار که یک‌بار تازه راه‌های را برای رسیدن سر کار انتخاب می‌کنید، به مکتوباتی که در گذشته دارید نگاه کنید. اینها راه‌های جدید برای حل یک مشکل انتخاب کند و وقتی فکر‌تان را تغییر دادید، دیدگاه‌تان تغییر خواهد کرد.

مسئولان و نمایندگان مجلس می‌توانند پیشگام شوند و بخشی از درآمدشان را بر گردانند و بگویند از این‌یک‌بیشتر نمی‌خواهیم. عمر من با تحقیق می‌گذرد. هیچ جایی ندارم جز اتاق خودم در یک آپارتمان ۳ خوابه ۱۴۰ متری یک اتاق خواب دارم که محل کارم است. بعضی اوقات مراکز پژوهشی حمایت‌هایی می‌کنند و روزگار با همین می‌گذرد. آقایانی که دفتر و تشکیلات و دم و دستگاه دارند، می‌توانند از ریاست دست بکشند و در دانشگاه یا در خانه خودشان کار کنند. دانشگاه‌های بزرگ ما که کتابخانه‌هایشان اکثر از محقق و اهل پژوهش خالی است! ماگر نمی‌شود مسئولان ما از حقوقشان بگذرند.

دوستی داشتم که وقتی امام (ره) حساب ۱۰۰ را برای کمک به مستضعفان راه‌اندازی کرد، خانه‌اش را فروخت و مقدار زیادی از پول خانه‌اش را به این حساب ریخت. آن دوران اما گذشت! امروز هم چاره‌ای نیست جز این که الگوهای اخلاقی به مردم جامعه‌گردی است یعنی مواظب بودند مسئولان مانند مالک اشتر و ... باید با فساد مبارزه کنیم تا زمانی که حتی در میان مسئولان فساد وجود داشته باشد! امروز روز بروز تضعیف می‌شود. چرا حضرت علی(ع) به عثمان ابن حنیف حساس بود که چرا به مهران آنگوشت رفتگی؟ خب ما چرا حساس نیستیم؟ روش‌های مبارزه با فساد، تشکیل سمینار و همایش نیست! اولین دستور اسلام جیب‌گردی است یعنی مواظب بودند مسئولان در جیبش چه دارد. اگر ۲ کیلو خرما داشت، می‌گفتند این را با چه پولی می‌خرده‌ای...

اخلاق در عارف‌سنی ما بر موعظه و تنبیه متکی بود. اما در ساختار کنونی جهان که هزاران وسوسه به جان مردم افتاده است، اخلاق مبتنی بر پولدار شدن است.

امروز باید علاوه بر موعظه و تنبیه بر برقراری رفاه و عدالت اجتماعی تمرکز کنیم و جلوی فساد و زردی را در هر سطحی که هست بگیریم. بگذارید در پایان اشاره‌ای به رفتار علی(ع) داشته باشم. برادرش عقیل نزدش آمد و از وضع بدش خیلی شکایت کرد و انتظار داشت حضرت به او کمک کند. امام علی(ع) فرمود وضع من هم مثل توست. اگر بخوایم وضعمان خوب شود باید به مکانی که تاجر زیادی هستند برویم و زردی کنیم! عقیل گفت تو به من می‌گویی زردی کنیم حضرت فرمود: آن زردی شرف داردا چون در دیدن مال یک تروتمند است اما این زردی، ربودن از گلوئی دختری است که در حسرت یک پیران نواست.

حسی که همه ما داریم

علی اکبر فلاح | عضو فعال سازمان جوانان هلال‌احمر

به حساب می‌آیند فرستادن. این راه وسیع‌تر شد و هنوز هم ادامه دارد. وقتی کوچک هستی کاری که انجام می‌دهی ممکن است خیلی کوچک باشد. اما همین کار، باعث می‌شود با افراد بزرگتری آشنا شوید. آنچه باعث می‌شود از منافع مادی و البته لحظه‌ای خود را به کناری بگذارید و به سمت اخلاق و فعل اخلاقی حرکت کنید تا حدود زیادی به حسی که درونش وجود دارد مربوط است. همه انسان‌ها در سرشت خود نوع دوستی را حس می‌کنند. کافی است کمی به سمت این میل قلبی حرکت کنیم، تا آن حس کوچک و حتی در پارامتری موارد خاموش، شکوفا شود. از همین طریق است که یک کم می‌بینید از برخی منافع مالی دست کشیده‌اید و به دنبالش نرفته‌اید. جالب است که بعد از مدتی متوجه می‌شوید این دست کشیدن‌ها هیچ مشکلی برایتان به وجود نمی‌آورد.

خیراندیشی و زیست اخلاقی ارتباط تنگاتنگی با محیط خانواده و آموزش‌هایی که در فضای خانواده، مدرسه و جامعه به فرد داده می‌شود، بستگی دارد. در واقع من با کلمه «تغییر» موافق نیستم. وقتی شما در محیطی رشد می‌کنید که زندگی اخلاقی‌الگویی برای رشد و نمو به حساب می‌آید، میل دارید این کار را انجام دهید و مورد تأیید جمعی که در آن حضور دارید قرار بگیرید. بنابراین این‌جا بحث بر سر آموزش و الگوبرداری است. حداقل در مورد من و جمعی از دوستانم که عضو سازمان جوانان جمعیت هلال‌احمر هستیم خانواده و محیطی که در آن رشد کرده‌ایم تأثیرات غیر قابل انکاری داشته‌اند. خود من در سنین کودکی کارهای کوچک اما اخلاقی انجام می‌دادم و مورد تشویق خانواده قرار می‌گرفتم. بعد از مدتی همان کارهای کوچک در کنار هم جمع شدند و مرا به سمت انجام کارهایی که برای خودم بزرگ‌تر

تجربه

تجربه تأسیس کانون بشر دوستی

مهیار فرهنگ | مدیر کانون هلال‌احمر دانشگاه آزاد شاهرود |

هم از آن دیدیم. این طرح برای جلوگیری از اسراف و افتاد، به طور اتفاقی در موقعیت امداد و نجات قرار گرفت و با بخشی از کار هلال‌احمر آشنا شدم. همین جرقه باعث شد بعد از آن روز بپیگیر فعالیت‌های داوطلبانه شوم و کار جدی خود را در هلال‌احمر آغاز کردم و در حال حاضر دبیر کانون هلال‌احمر دانشگاه آزاد شاهرود هستم و تلاش می‌کنم با برنامه‌های فرهنگی و ترویجی در دانشگاه، جوانان را به سمت کارهای عام‌المنفعه و داوطلبانه سوق دهم. یکی از برنامه‌هایی که در حال اجرا داریم تأسیس کانون فعالیت‌های بشر دوستانه با قابلیت نوع دوستی است. در واقع ما در نظر داریم دانشجویان را با این فعالیت‌ها آشنا کنیم. زیرا بسیاری از جوانان با این حوزه‌ها اصلا آشنایی ندارند. فعالیت‌های بشر دوستانه فقط نیاز به بودجه ندارند، وقت، پتانسیل و انرژی صرف کردن در این زمینه‌ها از زحمندان‌تر است و متوجه‌اند دارند، دیگران را با این مسیرها آشنا کنند. در واقع نیازسنجی و شناختن محیط اطراف و موقعیت‌های کار خیر و نیکوکاری خیلی مهم است.

افراد باید شیرینی حرکت در این مسیر را بچشند و احساس خوبی که هر انسانی با انجام دادن کار خیر انجام می‌دهد را درک کنند. با این حال همان‌طور که اشاره کردیم نیازسنجی و موقعیت‌سنجی بسیار مهم است. مثلا طرحی که در دانشگاه پیاده کردیم و جواب هم گرفتیم، شاید اگر در خانه سالمندان انجام شود خیلی جواب نگیرد. در واقع باید افرادی که با آنها سر و کار داریم را بشناسیم. چه بسا دانشجوئی که قشر فرهنگی و فرهیخته جامعه هستند با دیدن و اجرای این طرح خودشان هم ایده‌های دیگری به ذهنشان برسند و بتوانند دامنه این فعالیت‌ها را توسعه دهند.

نگاه

جلب رضایت خدا در زندگی اخلاقی

محبوبه فیروزی | عضو داوطلب هلال‌احمر استان فارس |

هنمونعاش را در نظر بگیرد. من همیشه به این شکل به قضایا نگاه می‌کنم. با این حال زندگی مردم در این روزها به حدی سخت است که کمتر دیده می‌شود به کمک کردن و نیکوکاری فکر کنند و کارهای اینچنینی را انجام دهند. یک دلیل آن هم می‌تواند کم‌رنج شدن معنویات و کم شدن توجه به تعلیمات اخلاقی باشد. چون اگر مردم به این موضوعات توجه بیشتری داشتند جلب رضایت خدا را وظیفه خود دانسته و در جهت راه‌های رسیدن به این مقام تلاش می‌کردند. برای خود من که چند سالی است جدی‌تر وارد کارهای داوطلبانه شده‌ام رضایت خداوند و خدمت به خلق بسیار ارزشمند است و سعی می‌کنم در هر زمینه‌ای که توانایی دارم یا به نوعی هر کار که از دستم بر آید را در راستای انسان دوستی انجام دهم.

از کودکی به نوعی نیکی کردن را دوست داشتم. شاید بتوان گفت این حس در وجود بود و همیشه دوست داشتم به دیگران کمک کنم. بزرگ‌تر که شدم بیشتر به این مفهوم آشنا شدم و از جنبه جلب رضایت خداوند هم به کارهای نیکوکارانه و داوطلبانه نگاه می‌کردم. همین انگیزه باعث شد که در دوران راهنمایی وارد جمعیت هلال‌احمر شوم تا از این انگیزه در مسیر درست استفاده کنم. به نظر من مهم‌ترین انگیزه‌ای که می‌تواند افراد را در مسیر نیکوکاری و کارهایی که منفعت مالی برایشان ندارد سوق دهد، در نظر گرفتن رضایت خدا در خدمت به خلق است. اگر هر انسانی این حقیقت را در نظر بگیرد دیگر نمی‌تواند بی‌تفاوت نسبت به پیرامونش زندگی کند. در واقع زندگی اخلاقی یعنی همین که فردی بیش از سود و منفعت خودش کمک کردن و بر آوردن نیازهای